

## سیره و اقدامات خلفای عباسی عصر اول در مورد حج

تاریخ دریافت: ۹۲/۶/۵

تاریخ تأیید: ۹۲/۹/۶

عباس موحدی نیا\*

**چکیده:** مراسم حج از جمله مراسمی است که در اسلام اهمیت بسیاری دارد، اسلام آن را سازماندهی نهایی نمود و احکام و دستورات ویژه‌ای برای آن در مقام اجرا قرار داده است. مسلمانان چه در زمان رسول خدا ﷺ و چه پس از آن اهتمام ویژه‌ای به آن داشته‌اند. و بر این اساس حج در دوره خلفای پس از پیامبر و همچنین در عصر امویان هم همواره مورد توجه بوده است در دوره عباسیان توجه و عنایت ویژه‌ای به حج وجود داشته است. خلفای عباسی خودشان بارها به سفر آمده بودند و از نزدیک شاهد حج‌گزاری مردم و مشکلات حجاج بودند و سعی بر رفع آنها داشتند. همچنین عباسیان به تحول و توسعه و تعمیر راه‌های مواصلاتی، تامین آب شرب حجاج و وسعت ابنیه و مساجد و مکه و تعیین امیرالحاج مبادرت می‌ورزیدند. این اقدامات همگی در راستای افزایش اعتبار و مشروعیت خلفا در بین مسلمانان صورت می‌گرفته است.

واژه‌های کلیدی: حج، عباسیان، خلفای عباسی، مکه و مدینه

## مقدمه

درباره تاریخ شکل‌گیری و چگونگی آیین حج، روایات اسلامی بر پیشینه بسیار کهن آن تأکید کرده‌اند بر اساس این روایات، قدمت این آیین به پیش از خلقت آدم علیه السلام باز می‌گردد این مناسک پس از خلقت آدم به زمین نیز انتقال یافت و وی به فرمان خدا، مأمور بنای کعبه و برگزاری مراسم حج گردید.

آیین‌های حج با گذشت زمان و گسترش بت پرستی میان اعراب تغییرات ماهوی پیدا کرد. با ظهور اسلام، آیین حج یکی از فرایض دینی مسلمانان از مناسک شرک‌آلود پیراسته شد؛ از این رو پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پس از فتح مکه در سال هشتم هجرت، کعبه را از بت‌ها پاک ساخت. یک سال بعد، با نزول سوره براءت حج‌گزاری مشرکان، برای همیشه، ممنوع شد و در سال دهم نیز پیامبر صلی الله علیه و آله با شرکت در مراسم حج، احکام و آداب حج را به مسلمانان آموزش داد.

حج، علاوه بر جنبه عبادی، از همان روزگار پیامبر صلی الله علیه و آله برای حکومت نوپای اسلامی، اهمیت سیاسی روز افزونی داشت، زیرا تسلط بر مکه، مشروعیت حکومت تلقی می‌شد؛ از این رو خلفای پس از پیامبر یا خود مسئولیت امارت حج را بر عهده می‌گرفتند یا در انتخاب امیرالحاج، بسیار تأمل می‌کردند. همین حساسیت، در کنار نقش مهم شهرهای مکه و مدینه در رساندن اخبار و حوادث مهم جهان اسلام، حج را به آوردگاهی سیاسی بدل کرده بود، اهمیت عبادی و سیاسی حج، اقدامات عمرانی و رفاهی مخصوص حج‌گزاران را نیز در پی داشت. در



پښتونستان ښار  
پښتونستان ښار  
پښتونستان ښار

تکیه‌گاه عباسیان علاوه بر ایرانیان فرقه‌های مختلف شیعه بود که در آن زمان مشتمل بر عباسیان، علویان زیدیه، پیروان محمد بن حنفیه بود که بعد از درگذشت وی پسرش ابوهاشم جانشین او شد و بعد از مرگ ابوهاشم، پیروانش با محمد بن علی بن عبدالله بن عباس بیعت کردند و به نام شیعه آل عباس مشهور شدند که شعار آنان بیرق و لباس سیاه بود. محمد بن علی دهکده کوچکی به نام حمیمه را مرکز فعالیت خویش قرار داد و از همین محل دعای را به خراسان و ماوراءالنهر فرستاد و بعد از درگذشت وی، پسرش ابراهیم جانشین او شد. ابتدا، دعوت سری بود و امور دعوت مجمعی صورت گرفت که ۱۲ نقیب و شورائی مرکب از ۷۲ نفر بود، زمانی که ابراهیم امام به خراسان توجه کرد در آنجا بزرگان زیادی به او گرویدند. از جمله بازرگان معروف، بکیر بن ماهان که در سال ۱۰۵ هجری قمری در کوفه با عباسیان بیعت کرد، در سال ۱۲۶ هـ.ق که بکیر بن ماهان به زندان افتاد با ابومسلم آشنا شد و بکیر بعد از آزادی از زندان ابومسلم را به ابراهیم معرفی کرد. ابراهیم، ابومسلم را جهت انتشار دعوت به خراسان فرستاد که در این زمان نصر بن سیار در خراسان حکومت می‌کرد و در آنجا بین دو طایفه بزرگ اعراب مضر و یمانی اختلاف افتاده بود که پیروان بنی عباس فرصت را مغتنم شمردند و مردم را با شعار «الرضا من آل الرسول یا الرضا من آل محمد» دعوت می‌نمودند و ابومسلم توانست مرو را تصرف کند و در سال ۱۲۹ هـ.ق در روستای سفیدنج مرو دعوت خود را آشکار کرد. به گفته طبری، اهالی دهکده‌های مرو دعوت را پذیرفته و به تدریج پیش ابومسلم می‌آمدند، مقارن این ایام ابراهیم به فرمان مروان بن محمد آخرین خلیفه اموی در شام کشته شد.



پښتو ښکته علمون انساني و مطالعات فرېښتې  
پرتال جامع علمون انساني

حکومت را حفظ و آشوب و شورش‌ها را سرکوب کنند. در این دوره ایرانیان از جایگاهی برجسته در حکومت برخوردار شدند. نفوذ گسترده‌ی ایشان تأثیری مهم در هدایت سیاست حکومت داشت، به گونه‌ای که حتی بر دستگاه‌های اداری و نظامی در بغداد و مناطق تحت نفوذ آنها چیره شدند و فرماندهی سپاه و مقام‌های اداری مهم، مانند وزارت، دبیری و استانداری دیگر مناطق را عهده‌دار شدند. سپاهیان، یاور خلافت و ابزاری مطیع در دست خلیفه بودند. این دوران با پایان عهد خلفایی که خودشان سپاه را فرماندهی می‌کردند و در بجنوبه‌های مرگ بار فرو رفته، به خواهش‌های فرساینده ناز و نعمت گردن نمی‌نهادند، سپری شد. (طقوش، ۱۳۸۷، صص ۲۷-۲۸)

### امارت حج و امرای مکه و مدینه

امارت حج از منصب‌هایی است که ارتباط مستقیم با حکومت اسلامی دارد. نصب امیرالحاج از شئون حکومت و اختیارات و وظایف حاکم اسلامی است و کسی نمی‌تواند بدون اذن حاکم، این منصب دینی و اجتماعی را بر عهده بگیرد. از زمان صدر اسلام که پیامبر اسلام ﷺ مراسم حج را با شکوه و عظمت خاصی انجام داد، حاکمان جامعه اعم از عادل و فاسق با تاسی از سیره پیامبر ﷺ، یا خود در موسم حج عازم زیارت بیت الله الحرام شده و امارت حج را برعهده داشتند یا فردی را به عنوان نماینده خود و امیرالحاج منصوب می‌کردند، زیرا عزمیت حجاج به مکه مکرمه و انجام مناسک حج، با توجه به اهداف متنوع و شئون مختلف آن، به عنوان «عبادتی که دارای جنبه‌های مختلف فردی، اجتماعی، معنوی، سیاسی، اقتصادی و اخلاقی است»، بدون امیر و سرپرست به سامان نمی‌رسید. از این رو، در طول



پښتونستان د علومو او انساني مطالعاتو فریښتی  
پرتال جامع علومو انسانی

۲. وظایفی که برای اقامه حج برای زائران خانه خدا صورت می‌گرفت.

در ابتدای خلافت عباسی امیرالحاج از نگاه شخصیتی این ویژگی‌ها را باید دارا می‌بود:

۱. اهل سیاست و تدبیر و باکفایت باشد.

۲. مردی فرمانروا و با ابهت و کاردان باشد و صاحب نظر، تا بتواند از عهده رهبریت

حجاج بر آید. (ماوردی، بی تا، ص ۱۰۸)

وظایفی که امیرالحاج در طول سفر داشت بدین قرار بود:

۱. تقسیم‌بندی کاروان به گروه‌ها و دسته‌ها و تعیین نمودن سرپرست برای هر کدام از

اینها تا موجب درگیری و گمراهی از راه و مقصد نگردد.

۲. جمع‌آوری حجاج و جلوگیری از تشتت و پراکندگی آنان که مایه هلاکت اموال و جان

آنها است. (امینی، بی تا، ص ۲۸۴)

۳. کاروان‌ها را با نرمی و آهسته و از راه‌های هموار حرکت دهد تا ضعیفان درمانده نشوند

و پیامبر اکرم ﷺ در این باره فرمود: امیر کاروان کسی است از همه خود را ضعیف‌تر بداند و

رعایت حال ضعیفان و پیرمردان و پیرزنان را در نظر داشته باشد و همه باید در حرکت و توقف

کاروان تابع او باشند.

۴. امیرالحجاج باید شاهره امن و پر نعمت را برای کاروان حجاج در نظر داشته باشد و

انتخاب کند و از راه‌های خشک و صعب العبور و سنگلاخ پرهیز نماید. (همان، ص ۲۸۵)





پښتو ښکته علمون انساني و مطالعات فرېښتې  
پرتال جامع علمون انساني

### امیرالحاج و اقامه مناسک حج

کسی که متصدی این کار می‌شود، او را امیرالحاج می‌گفتند و این به نوبه خود دارای شرایطی خاص، مثل امام جماعت است، که نمازهای یومیه را بر پا می‌دارد، و علاوه بر شرایطی که برای امام جماعت است. در این نیز شرط می‌باشد، که باید از احکام و مناسک حج نیز اطلاع کامل داشته باشد و به امور آن مسلط باشد و مدت این رهبری حجاج فقط هفت روز می‌باشد از نماز ظهر روز هفتم ماه ذی‌الحجه شروع می‌شود و تا روز سیزدهم ماه ذی‌الحجه به اتمام می‌رسد. (همان، ترجمه بهسودی، بی تا، ج ۷، ص ۳۲۷)

امیرالحاج در طول این مدت چند وظیفه دارد و عبارت است از:

۱. حجاج و زائران خانه خدا را آموزش دهد که روزهای احرام کدام روز است و چگونه و از کجا احرام ببندد و حرکت برای درک مشاعر مشرفه چه روزی است. و چه شرایطی دارد، و باید همگان تابع او باشند و به او اقتدا کنند.
۲. مناسک حج را به همان ترتیبی که در شرع مقدس مقرر شده اجرا کنند. چه واجب باشد و یا مستحب، یادآوری و عملی سازد، تا دیگران نیز از او پیروی کنند.
۳. توقف در منی و مشاعر، و عرفات، از حد لازم تجاوز نکند، و به موقع معین کوچ کند و بقیه حجاج نیز از او تبعیت کنند.



پښتونستان ښار  
پښتونستان ښار  
پښتونستان ښار

جدید از زوآر به بغداد می‌رسیدند و بغدادیان با جامه‌های نیکوی خویش آنان را به نیکی پذیرا می‌شدند.

عزیمت کاروان حج با جشن‌های پرتکلفی همراه بود. موکب بزرگی از مأموران بلند پایه در پیش و عامه در پس کاروان تا بیرون بغداد می‌رفتند و بدیشان بدرود می‌گفتند. دسته‌ای از سپاهیان هم برای تأمین امنیت زوآر با ایشان گسیل می‌شد. سپس کاروان به سرپرستی امیرالحاج راه خویش را در پیش می‌گرفت.

امیرالحاج را حکومت در مجلسی با حضور خلیفه و قاضی القضاة و دستیاران او و نیز دیگر بلند پایگان برمی‌گزید. امیرالحاج نه تنها کاروان را راهنمایی می‌کرد بلکه بر رفتار زوآر هم نظارت داشت و نیز دسته ویژه‌ای را زیر نظر داشت در مراسم حج سرپرستی می‌کرد.

چون کاروان به منی می‌رسید شتر و گوسفند یا دیگر حیوانات اهلی قربانی می‌کردند. برای هر کس یا هر خانواری بزی یا گوسفندی و نیز ای بسا که هفت شریک یک گاو و یا یک شتر قربانی می‌کردند. گوشت قربانی را یا می‌خوردند یا ذخیره و یا در میان تنگدستان پخش می‌کردند و پوست آنها را به راه خیر می‌دادند.

بازگشت حاجیان به بغداد هم موجبی بود برای برپایی جشن و سرور همگانی. خلیفه خویش از شهر برای پذیرا شدن حاجیان بیرون می‌شد.

حاجیان روزی را پیش از آمدن به بغداد به استراحت می‌پرداختند و گاهی شب را در الیسیریّه از حومه بغداد می‌گذراندند.



پښتو ښکته ځاښه علوم انساني و مطالعات فرښکته  
پرتال جامع علوم انساني

و سرزمین‌های گوناگون دسترسی حاصل می‌کرد. پس سفر حج یکی از عوامل برجسته برای یکپارچگی فرهنگی و تحرک اجتماعی در جهان اسلام بود.

### ابوالعباس سفاح (۱۳۲-۱۳۶ق) و حج

عبدالله بن محمد، ملقب به ابوالعباس در دوازدهم ربیع الاول سال ۱۳۲ق. به خلافت رسید (یعقوبی، بی تا، ص ۳۴۹) وی در آغاز کار خطبه‌ای ایراد کرد و در آن به وعده و وعید یاران و دشمنان پرداخت و خود را خون‌ریزی بی باک (سفاح) معرفی کرد که می‌خواهد انتقام خون‌هایی را که امویان از هاشمیان ریخته‌اند، بگیرد. (طبری، ۱۳۸۷، ص ۴۲۷)

پایتخت سفاح شهر هاشمیه (حموی، ۱۹۹۵، ص ۳۸۹) بود. سرانجام سفاح در ذی‌الحجه ۱۳۶ق در همان جا به علت ابتلا به بیماری آبله درگذشت. (ابن کثیر، ۱۴۰۷، ص ۵۸ به بعد)

زمانی که سفاح به قدرت رسید در همان سال ۱۳۲، مکه را در اختیار عمویش داود بن علی بن عبدالله قرار داد. اندکی بعد، مدینه، یمن و یمامه (حموی، ۱۹۹۵، ص ۴۴۱) را هم به آن ضمیمه کرد. داود به محکم کردن پایه‌های دولت عباسی پرداخت و دستور داد تا برخی از آثار اموی در مکه را از میان ببرند. از آن جمله، مخزن آبی بود که خالد بن عبدالله قسری میان زمزم و مقام ساخته بود، و نیز برکه‌ای که مردم در نزدیکی باب الصفا از آن وضو می‌گرفتند. سپس آب این برکه را به برکه دیگری که در سمت دیگری در نزدیکی مسجد بود، منتقل کردند.



پښتو ښکته ځاښه علوم انساني و مطالعات فرانسې  
پرتال جامع علوم انساني

ادامه یافت. زیاد همان کسی است که توسعه مسجد الحرام - که در زمان منصور انجام شد - زیر نظر او صورت گرفت.

پس از وی هیثم بن معاویه عتکی خراسانی در سال ۱۴۱ علاوه بر مکه ولایت بر طائف را نیز برعهده گرفت و ولایت او تا سال ۱۴۳ ادامه یافت. (فاسی، ص ۲۷۸)

به دنبال عزل او، سری بن عبدالله بن حارث بن عباس بن عبدالمطلب والی مکه و طائف شد و به مکه رفت و ولایت او تا سال ۱۴۵ هـ.ق ادامه یافت پس از وی محمد بن حسن بن معاویه بن عبدالله بن جعفر بن ابوطالب قرشی هاشمی جعفری، در پی چیره شدن، بر مکه ولایت یافت، چرا که محمد بن عبدالله بن حسن بن حسن بن علی بن ابیطالب علیه السلام ملقب به نفس زکیه، پس از قیام در سال ۱۴۵ در مدینه و چیرگی بر آنجا او را بر مکه و قاسم بن اسحاق را بر یمن گمارد و او نیز به مکه رفت. سری بن عبدالله هم از مکه بیرون آمد و آن دو در نبرد با یکدیگر سری بن عبدالله شکست خورد. محمد وارد مکه شد و مدتی کوتاه در آنجا اقامت داشت که نامه محمد بن عبدالله بن حسن به دستش رسید که به وی دستور داده بود که به اتفاق همراهانش حرکت کند و او را از حرکت عیسی بن موسی برای جنگ با وی، آگاه کرد. او نیز به اتفاق قاسم، از مکه به راه افتاد و در اطراف «قدید» به او رسید. محمد نفس زکیه کشته شد و او و یارانش فرار کرده و پراکنده شدند و محمد بن حسن بن ابراهیم بن عبدالله به برادر محمد بن عبدالله پیوست و تا زمان قتل ابرهیم نزد وی باقی ماند. (همان، صص ۲۷۸-۲۷۹)





پښتو ښکته علمون انساني و مطالعات فرېښتې  
پرتال جامع علمون انساني

اندوهگین ساخت امام صادق علیه السلام فرمود: «آیا این تو را غمگین می‌سازد، در حالی که حجت (دلیل) تو بر آنان در این مسئله آشکار است.» گفت: چگونه بر آنان استدلال آورم؟ فرمود: «به وسیله کتاب خدا» گفت: «با کجای قرآن؟» فرمود: «این سخن خدا (انَّ اوَّلَ بَیْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِی بَیَّتَهُ) خداوند {در این آیه} خبر داده است که: همان اولین خانه‌ای که برای مردم نهاده شد، همان خانه‌ای است که در مکه است. اگر آنان پیش از کعبه در آن جا ولایت (مالکیت) داشته‌اند، کعبه، متعلق به آن است.» منصور آنان را فراخواند و با این آیه بر آنان احتجاج کرد به او گفتند: آن چه دوست داری انجام بده. در این افزایش مساحت، وسعت مسجد دو برابر شد و نزدیک به پنج هزار متر مربع بر مساحت مسجد افزوده گردید. این افزایش در جهت شمال و غرب مسجد صورت گرفت. این بار نیز رواق‌هایی برای مسجد در اطراف آن ساخته شد. علاوه بر آن مناره‌ای نیز در رکن غربی مسجد احداث گردید. گسترش تزئینات روی دیوارها و ستون‌ها نیز بیشتر شد.

همچنین مسجد با سنگ‌هایی که موزائیک گونه کنار هم قرار می‌گرفت و طلا و انواع نقش‌ها تزیین شد. همین طور در حجر اسماعیل از سنگ مرمر استفاده شد به علاوه روی سقف چاه زمزم پنجره‌ای نصب شد تا مانع از سقوط سقف آن بر مردم شود نیز زمین اطراف چاه زمزم با سنگ مرمر فرش شد. کار آن در سال ۱۴۰ به اتمام رسید (کردی، ۱۳۸۷، ص ۲۰۹)



پښتونستان ښار علمي او مطالعاتي مرکز  
پرتال جامع علوم انساني

مهدی عباسی در سال‌های ۱۶۰ و ۱۶۴ هـ.ق برای مردم حج گزارد و در هر بار، دستور توسعه بنای مسجد الحرام را صادر کرد؛

### اصلاحات مسجد النبی (۱۵۸-۱۶۹ هـ.ق)

مسجد النبی در دوره مهدی عباسی توسعه یافت. بنی عباس در سال ۱۳۲ هجری بر مسند خلافت نشستند. گفته شده که سفاح و منصور، اولین و دومین خلیفه عباسی، قصد توسعه مسجد النبی را داشتند، اما فرصت این کار را نیافتند به ویژه منصور، از مردم مدینه که به رهبری نفس زکیه از نوادگان امام حسن علیه السلام در شورش سخت بر ضد او شرکت کرده بودند، دل خوشی نداشت. «مهدی» فرزند منصور، در مسجد الحرام و مسجد النبی، بناهای جدیدی ساخت. وی در سال ۱۵۸ سفری به مدینه داشت و تصمیم گرفت تا مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله را بازسازی کند و بر مساحت آن بیافزاید. اقدام عملی او در این باره از سال ۱۶۱ یا ۱۶۲ هجری آغاز گردید. مجموعه مساحتی که مهدی به مسجد افزود، شامل ۲۴۵۰ متر می‌شد. همچنین او شمار ستون‌های مسجد را بیشتر کرده و بر تعداد درهای آن افزود در این زمان مسجد بیست در داشت: چهار در شمالی، هشت در غربی و هشت در شرقی. در این بازسازی شمار زیادی از خانه‌های اطراف مسجد که هر کدام به نام صحابه ساکن در آنها شهرت داشت، تخریب و به مسجد افزوده شد از جمله آنها خانه عبدالله بن مسعود، شریحیل بن حسنة و مسور بن مخرمه بود. (جعفریان، ۱۳۸۹، ۲۰۹)



یافت. خلفا هر کدام به قدر توجه‌شان به حرمین به حجاج بذل و بخشش می‌کردند. مهدی در سال ۱۶۰ سی میلیون درهم و سیصد هزار دینار که از مصر به او رسیده بود و دویست هزار دینار که از یمن برایش رسیده بود و هزار دست لباس بخشش کرد. (فاسی، صص ۳۳۹-۳۴۰)

#### حج دوم مهدی عباسی (سال ۱۶۴ هـ ق)

در سال ۱۶۴ مهدی برای بار دوم حج به جا می‌آورد. در این سفر او دریافت که ضلع جنوبی مسجد چندان گسترده نیست که مسجد به شکل مربع در آید در نتیجه مردم مجبور هستند برای رفتن از مسجد به سمت صفا، از یک وادی در خارج مسجد گذشته و از آنجا به سمت یک گذرگاه تنگ رد شوند تا به صفا برسند. سعی در جایی بود که در زمان ما به آن باب علی گفته می‌شود به همین دلیل دستور داد تا خانه‌هایی را که در آن سمت بود خریداری کرده و برخی را داخل مسجد کردند و برخی دیگر را هم برای رفت و آمد و محل عبور سیل‌های احتمالی اختصاص دادند. زمانی که به او گفته شد این کار هزینه سنگین خواهد داشت، او باز هم اصرار بر اجرای آن کرد، حتی اگر مجبور شود تمامی اموال بیت المال را بدهد. اقدامی که برای جلوگیری از سیل احتمالی انجام شد، آن بود که برابر باب هوشم «باب علی» در این سو، در دیگری باز کرد، به طوری که اگر آب از آن درآمد از در دیگر خارج شود. این همان باب-الوداع یا باب الحزوره است. با این توسعه بخشی از منطقه مسعی داخل مسجد شد. در صدر اسلام، محدوده مسعی بسیار عریض بود و کسانی خانه‌های خود را در همین محدوده میان مسعی و مسجد ساخته بودند. زمانی که مهدی عباسی دستور توسعه دوم را داد، این زمین را با خرید خانه‌هایی که در آن ساخته شده بود و منهدم کردن و داخل کردن آنها در مسجد در سمت باب علی، و رها کردن قسمتی دیگر برای توسعه مسعی، به حالت اول بازگرداند. بدین



پښتو ښکته علمون انساني و مطالعات فرېښتې  
پرتال جامع علمون انساني

### هادی (۱۶۹-۱۷۰ق) و حج

موسی ملقب به هادی به سال ۱۵۹ق. ولیعهد اول پدر شده بود. اما بر اثر پافشاری خَیْزُران مهدی بر آن شد تا هارون را بر هادی مقدم گرداند که حاصل آن روشن شدن آتش دشمنی و کینه میان هارون و هادی بود. با این همه، هارون که مردی خردمند بود به محض آنکه خبر مرگ پدر را شنید با برادر بیعت کرد و چون هادی در بغداد حضور نداشت، از بزرگان خاندان عباسی و سران سپاه برای او بیعت گرفت و گزارش این اقدامات را به اطلاع وی رساند. هادی پس از دریافت اخبار، غَطْرِیْف بن عطاء را بر خراسان گماشت و خود به بغداد آمد و دست مادرش را از دخالت در امور کوتاه کرد و خود بر کارها تسلط یافت. (یعقوبی، ص ۴۰۴)

در زمان خلافت هادی موسی بن مهدی عباسی، طبق گفته ابن جریر، عبید الله بن قُثَم بن عباس، ولایت بر مکه را برعهده داشته است چرا که وی در اخبار مربوط به سال ۱۶۹، یعنی همان سالی که ابتدای آن خلافت به هادی رسید، پس از ذکر کسانی که به عنوان والی مدینه منصوب شده بودند، می گوید: و بر مکه و طائف، عبید الله بن قُثَم، ولایت داشت. (فاسی، ص ۲۸۱)

در زمان خلافت هادی، حسین بن علی بن حسن بن حسن بن علی بن ابی طالب حسنی، ولایت بر مکه را برعهده گرفت. او در مدینه قیام کرد و خود به اتفاق یارانش شش روز مانده به پایان ذی القعدة سال ۱۶۹هـ.ق. به طرف مکه آمد. وقتی قیام وی به هادی رسید، به محمد بن سلیمان بن علی بن عبدالله بن عباس نامه ای نوشت و او را مأمور جنگ با وی کرد. محمد بن سلیمان در همین سال به اتفاق همراهان و خویشاوندان خود، با اسلحه و





نسخه‌ای از این پیمان را برای افزایش تقدس آن و تأکید بر اجرائیش، به حیاط کعبه آویختند. (طبری، ج ۸، صص ۲۲۷-۲۸۶)

در زمان خلافت هارون الرشید نیز گروهی عهده‌دار تولیت بر مکه بودند که ابن اثیر به طور نامرتب و بدون ذکر نسب، آنها را نام برده و نام ایشان و توضیح نسب آنها به ترتیب از این قرار است:

احمد بن اسماعیل بن علی بن عبدالله بن عباس، حماد بربری، سلیمان بن جعفر بن سلیمان بن علی بن عبدالله بن عباس و عباس بن موسی بن عیسی بن موسی بن محمد بن علی بن عبدالله بن عباس، عباس بن محمد بن ابراهیم الامام، عبدالله بن محمد بن عمران بن ابراهیم بن محمد بن طلحه بن عبیدالله تیمی، عبیدالله بن قثم بن عباس، عبیدالله بن محمد بن ابراهیم الامام، علی بن موسی بن عیسی برادر عباس، فضل بن عباس بن محمد بن عبیدالله بن عباس، محمد بن ابراهیم الامام، محمد بن عبدالله بن سعید بن مغیره بن عمرو بن عثمان بن عفان عثمانی، موسی بن عیسی بن موسی بن محمد بن علی پدر عباس و علی.

ابن اثیر از میان کسانی که از آنها نام برده، تنها به تاریخ ولایت عبیدالله بن قثم اشاره کرده و گفته که او در سال [صد و] هفتاد والی مکه بوده است. و نیز به تاریخ ولایت حماد بربری و فضل بن عباس اشاره کرده که تاریخ ولایت اولی سال [صد و] هشتاد و چهار و دومی سال [صد و] نود و یک بوده و یادآور شده که هارون الرشید به حماد علاوه بر مکه ولایت یمن را نیز واگذار کرد. در تاریخ ابن جریر و ابن کثیر، ولایت محمد بن ابراهیم الامام در زمان خلافت هارون الرشید در سال صد و هفتاد و هشت بوده است و در اخبار مکه فاکهی ولایت



پښتونستان د علومو او انساني مطالعاتو فریښی  
پرتال جامع علوم انسانی

او را دور کنند، اما هارون مانع شد. (السباعی، صص ۲۰۰-۲۰۱) [با توجه به اینکه خلفا هر کدام به قدر توجهشان به حرمین به حجاج بذل و بخشش می‌کردند. و بخشش‌های هارون الرشید در مکه، در یکی از سال‌هایی که به حج آمد، به ۱/۵ میلیون دینار رسید.] (فاسی، صص ۳۶۷)

توجه هارون به چشمه‌هایی که پس از روزگار معاویه، در خاک پنهان گشته بود. وی به احیای آنها پرداخت و آب آنها را در یک چشمه متمرکز کرد که به آن رشا گفته می‌شود. آن‌گاه برای آن، برکه‌هایی را در قسمت بالا و پایین مکه درست کرد که آب در آنها می‌ریخت و مردم از آن استفاده می‌کردند. این روشی بود که تا پیش از لوله کشی که در سال‌های اخیر رواج یافته، مورد استفاده مردم بود. اما زمانی که آن مقدار برکه کفاف نداد، زبیده همسر هارون دست به کار شده؛ زمین حنین را خرید جایی که در آن نخل و زراعت بود. وی آنها را از بین برد و برای انتقال آب آنجا به مکه، قنات‌هایی را درست کرد تا آن را به اطراف این شهر برساند سپس در وادی نعمان، در بالای عرفات، جایی را خرید و آب آنجا را هم با قنات به عرفات رساند. وی همچنین برکه‌های موجود در مکه را اصلاح کرده، برکه دیگری بر آن افزود تا آب در آنها جمع شده، مردم از آن استفاده کنند. مخارج این کارها در حدود یک میلیون و هفتصد هزار مثقال طلا، معادل یک میلیون و هفتصد هزار دینار طلا بود. (السباعی، صص ۲۰۶-۲۰۷) هم اکنون کانال‌های آب به سمت عرفات، که زبیده ایجاد کرده موجود است.

هارون خانه‌ای میان صفا و مروه، در حاشیه مسعی ساخت که به آن باب القواریر می‌گفتند. بئر هاشم هم داخل آن افتاد، چاهی که به آن سحله یا بئر جبیر بن مطعم می‌گفتند و این به خاطر آن بود که او آن را از هاشم خرید. این چاه همچنان تا زمان ما در باب قایتبای



پښتونستان ښوونځي  
پښتونستان ښوونځي  
پښتونستان ښوونځي

باشند، او هم منصرف گردید. این کاری بود که بعدها با ایجاد کانال سوئز در سال ۱۸۶۹/۱۲۸۶ توسط خدیو سعید پادشا انجام گرفت. (همان، ص ۲۰۹) در یکی از سال‌هایی که هارون حج گزارد، عامل او در مصر، منبری بزرگ به او اهدا کرد که دارای ۹ پله و منقوش بود. وی دستور داد آن را در مسجد گذاشته و منبری که از زمان معاویه بود، به عرفات بردند. (همان، ۲۱۲)

### امین (۱۹۳-۱۹۸ق) و حج

او محمد امین بن هارون الرشید بن مهدی بن منصور بود. مادرش ام جعفر، زبیده دختر جعفر بن منصور است. امین در سال ۱۷۰ق، در [صافه بغداد متولد شد.

و بعد از مرگ هارون و به توصیه او، به عنوان خلیفه با امین بیعت شد. (ابن کثیر، ص ۲۲۲) به گفته سیوطی، وی لیاقت خلافت را نداشت، زیرا جوانی مسرف و خودپسند و بی‌سیاست بود. (خضری، ص ۶۴) سرانجام وی در بیست و پنجم محرم سال ۱۹۸ق در زندان طاهر بن حسین توسط عده‌ای از سپاهیان خراسان که به زندان هجوم برده بودند کشته شد. (طبری، ج ۸، صص ۴۷۲-۴۸۹)

در زمان خلافت امین محمد بن هارون الرشید عباسی، داود بن عیسی بن موسی بن محمد بن علی بن عبدالله بن عباس عباسی والی مکه بود که در سال صد و نود سه والی مکه شد و ولایتش تا پایان خلافت امین ادامه یافت. او از سوی امین بر مدینه نیز ولایت داشت و او بود که در سال صد و نود شش در مکه، متولی خلع امین گردید. (ابن اثیر، ص ۲۲۶)



پښتونستان د علومو او انساني مطالعاتو فریښی  
پرتال جامع علوم انسانی

رفت) مأمون از این خبر خوشحال شد و داود را به عنوان کارگزار خود بر آنجا گمارد و ولایت عکا را نیز به وی سپرد و به عنوان کمک مبلغ پنج هزار درهم به وی داد و او را روانهٔ مکه کرد.

ولایت وی بر آنجا تا سال ۱۹۹ ادامه داشت و پس از آن از ترس حسین بن حسن بن علی بن علی بن حسین بن علی بن ابیطالب معروف به «افطس» (ابن اثیر، ج ۶، صص ۳۱۱-۳۱۲) به رغم اینکه توان رویارویی و جنگ با او را داشت مکه را ترک گفت.

با غلبهٔ حسین اقطس بر مکه، او والی آنجا شد و همچنین از طرف ابوالسرایا به ولایت مدینه و یمن منصوب شد و ایشان بعد از انجام اعمال حج از منا به مکه آمد و در محرم سال دویست، پرده و پوشش کعبه را برداشت و پوششی را که ابوالسرایا با وی فرستاده بود بر آن پوشاند که شامل دو پوشش ابریشمی، یکی به رنگ زرد و دیگری به رنگ سفید بود و آنچه را در خزانهٔ کعبه بود برداشت و همراه با پوشش و پردهٔ قبلی میان یاران خود تقسیم کرد. ولایت حسین بر مکه تا زمان رسیدن خبر قتل ابوالسرایا در سال ۲۰۰ ق ادامه یافت. (فاسی، ص ۲۸۵)

به سال دویست هجری ابواسحاق معتصم و در سال دویست و یکم اسحاق بن موسی بن عیسی بن محمد بن علی و در سال دویست و دوم ابراهیم بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابیطالب (رضی الله عنه) با مردم حج کردند و ابراهیم نخستین طالبی بود که در اسلام با مردم حج کرد. ولی این را با غلبه انجام داد نه آنکه از طرف خلیفه‌ای بدان منصوب شده باشد.





پښتو ښکته ځاښه علوم انساني و مطالعات فرهنگي  
پرتال جامع علوم انساني

از جمله کارهایی که برای مسجد الحرام انجام داد. دستور داد تا عمود بزرگی برابر رکن غربی کعبه ساخته شده و چراغ بزرگی بر آن نصب گردد، تا با چراغی که امویان برابر حجرالاسود گذاشته بودند، برابری کند. او دو عمود دیگر هم برابر دو رکن دیگر کعبه به همین مقصود درست کرد. (همان، ص ۲۱۲)

برخی از منابع اشاره دارند که مأمون در سال ۲۰۲ تغییراتی در مسجد النبوی ایجاد کرد پس از این توسعه‌ها، تا قرن هفتم گزارشی از توسعه فضای مسجد النبوی در دست نداریم و به احتمال، اقدام مهمی در توسعه مسجد صورت نگرفته است (جعفریان، ص ۲۰۹)

#### معتصم (۲۱۸-۲۲۷ق) و حج

او ابواسحاق محمد معتصم بن هارون الرشید بن مهدی بن منصور عباسی است. به او «مثنی» به معنای هشتمین گفته می‌شود؛ زیرا هشتمین نسل از فرزندان عباسی و هشتمین خلیفه از صلب اوست؛ هشت فتح انجام داد؛ هشت سال و هشت ماه و هشت روز خلافت کرد سال صد و هشتاد در ماه شعبان که هشتمین ماه سال است، متولد شد. در چهل و هشت سالگی مرد و هشت پسر و هشت دختر از خود به جا گذاشت. او بی‌سواد بود و نوشتن نمی‌دانست؛ اما سربازی شجاع و تربیت شده در جنگ بود و جسمی نیرومند داشت. (طوقوش، ص ۱۶۱) سرانجام در روز اول محرم سال ۲۲۷ حجامت کرد، در پی آن به مرضی دچار شد که در شب هشتم ربیع الاول ۲۲۷ق مرد. (همان، ص ۱۷۸)



پښتونستان ښوونځي  
پښتونستان ښوونځي

پایان ذی‌الحجه ۲۳۲ بدون تعیین ولیعهد، به مرض استسقاء مرد. (طبری، ج ۹، صص ۱۵۰-۱۵۱)

در سال دویست و بیست و هفتم جعفر متوکل بن معتصم بن رشید و به سال دویست و بیست و هشتم تا سال دویست و سی و پنجم محمد بن داود بن عیسی با مردم حج کردند. (مسعودی، ص ۴۱۰)

### اقدامات و اصلاحات (۲۲۷-۲۳۲ق)

گفته اند نخستین خلیفه‌ای که دست به اقدامات تأمینی برای حفاظت راه و حجاج از دست تجاوز قبایل بدوی زد، واثق عباسی (۲۲۷-۲۳۲ق) بود. زمانی که واثق در سال ۲۳۱ اراده حج کرد، مشکل کم آبی سبب شد تا وی از تصمیم خویش برای رفتن به حج منصرف شود. (طبری، ج ۹، صص ۱۴۰-۱۴۱)

### نتیجه گیری

اهمیت و جایگاه هر چیز معمولاً از قدر و منزلت و یا به بیان دیگر از سعه وجودی و ابعاد آن مشخص می‌شود. حج نیز از این قاعده مستثنی نبوده زمانی که ستاره عباسیان در افق سیاست طلوع کرد، مکه همان وضعیت پیشین را داشت یعنی متدینان در آن عبادت می‌کردند و معلمان حلقه درس خود را داشتند و اهل رفاه، با تشکیل مجالس عیش در پی کسب لذات خویش بودند.



## فهرست منابع

- . ابن کثیر، ابو الفداء اسماعیل بن کثیر(۱۴۰۷)، البدایه والنهایه، ج ۱۰، بیروت، دارالفکر.
- . امینی، عبدالحسین، الغدیر، ج ۴، قم، مرکز الغدیر للدراسات الإسلامیه.
- . الازرقی، ابو الولید محمد بن عبدالله(۱۴۱۶)، اخبار مکه و ما جاء فیها من الآثار، بیروت، دارالاندلس.
- . ابن اثیر، عز الدین ابو الحسن(۱۳۸۵)، الكامل، ج ۵، بیروت، دار صادر.
- . جعفریان، رسول(۱۳۸۹)، آثار اسلامی مکه و مدینه، تهران، نشر مشعر.
- . حموی، یاقوت (۱۹۹۵)، معجم البلدان، بیروت، دار صادر.
- . خلیفه بن خیاط(۱۴۱۵)، تاریخ خلیفه، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- . خضری، احمد رضا (۱۳۸۸)، تاریخ خلافت عباسی از آغاز تا پایان ال بویه، تهران، سمت.
- . السباعی، احمد (۱۳۸۸)، تاریخ مکه (از آغاز تا پایان دولت شرفای مکه ۱۳۴۴ق)، تهران، نشر مشعر.
- . طبری، محمد بن جریر(۱۳۸۷)، تاریخ الامم والملوک (تاریخ طبری)، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، ج ۷، بیروت، دارالتراث.
- . طقوش، محمد سهیل (۱۳۸۷)، دولت عباسیان، ترجمه حجت الله جودکی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- . عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر عیاشی، ج ۱، تهران، المطبعه العلمیه.
- . فاسی، تقی الدین(۱۳۸۶)، شفاء الغرام باخبار البلد الحرام، ترجمه محمد مقدس، ج ۲، تهران، نشر مشعر.
- . کردی مکی، محمد طاهر(۱۳۸۷)، کعبه ومسجد الحرام در گذر تاریخ (گزیده تاریخ القویم لمکه و بیت الله الکریم)، تهران، نشر مشعر.
- . مسعودی، علی بن حسین(۱۴۰۹)، مروج الذهب و معادن الجوهر، تحقیق اسعد داغر، ج ۴، قم، دار الهجرة، (مسعودی مورخ معروف، فهرست طولانی از کسانی را که از زمان حیات پیغمبر تا سال ۳۳۵ هجرت حج را بر عهده داشتند، ثبت کرده است).
- . ماوردی، ابو یعلی، احکام السلطانیه، ج ۲، لبنان، دار الفکر.
- . مناظر احسن، محمد (۱۳۶۹)، زندگی اجتماعی در حکومت عباسیان، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- . یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (بی تا)، تاریخ الیعقوبی، ج ۲، بیروت، دارصادر.